

افرادی که برای قتل یکی از استادان و عضوهیأت علمی دانشگاه در گتوند اجیر شده بودند، از سوی پلیس بازداشت شدند.

کامران رومیانی، دادستان عمومی و انقلاب شهرستان گتوند در این باره به میزان گفت؛ جسد مردی ۵۰ ساله در بیستم آبان امسال در زیر پل مسیر گتوند به دزفول، کشف شد. با دستور قضایی، نیروهای انتظامی برای

روایت یک جنایت
اینا حسین زاده
گروه حوادث
خانوادگی دیگر این بار
در مهاباد استان آذربایجان غربی، در این قتل عام خانوادگی، داماد خانواده، همسر و پدر همسرش را با شلیک گلوله به قتل رساند اما مادر همسرش جان سالم به در برد. براساس اعلام فرمانده انتظامی مهاباد، متهم به قتل در مدت زمانی کمتر از ۴۸ ساعت توسط نیروهای پلیس شناسایی و بازداشت شد. این در حالی که منابع محلی اعلام کردند قاتل بعد از دستگیری به زندگیش پایان داده است. کابوس شومی است که خانواده فروهرش بارها با آن زندگی کرده بودند، سرانجام به حقیقت پیوست و داماد ۴۱ ساله خانواده با عملی کردن تهدید خود، خالد فروهرش (پدروزن ۵۸ ساله) و تمام فروهوش (همسر) را با اسلحه گرم به قتل رساند.

پسرعموی مقتول در تشریح جزئیات این جنایت به جام جم می‌گوید: «متهم به قتل یعنی جلال و دخترعمویم نمای پیش از ازدواج مدتی باهم آشنایی داشتند اما عمویم به شدت مخالف ازدواج آنها بود. سرانجام ازدواج کردندو همان شب اول ازدواج، جلال دخترعمویم را به شدت کتک زد، به حدی که کارش به بیمارستان کشید. جلال شغل و درست حسابی نداشت. دخترعمویم فکرمی‌کرد اگر صاحب فرزند شود، مشکل حل خواهد شد. یک دختر به دنیا آورد که الان ۱۷ ساله است اما تولد فرزند هم باعث نشد تا جلال سر به راه شود و روز به روز بدتر شد، رفتارهای جلال آن قدر غیرقابل تحمل بود که دخترعمویم چندبار به خانه پدرش رفت و گفت نمی‌توانم با این مرد زندگی کنم. خانواده به او می‌گفتند چون بچه دار، بهتر است سر زندگیش برگردد. نمام هم به خانه برمی‌گشت و شوهرش همان رفتارهای ناپسند را دوباره تکرار می‌کرد. حدود سه سال پیش جلال به همسرش تعهد داد دیگر نه خودت را آزار می‌دهم و نه به پدر و مادرت بی احترامی می‌کنم. قول می‌دهم



دومرد که در مهمانی شوم، مرتکب قتل دومرد دیگر شده بودند در جلسه محاکمه قتل را گردن یکدیگر انداختند. به گزارش خبرنگار جام جم، رسیدگی به این پرونده از نخستین روزهای دی ماه سال گذشته و با گزارش قتل دومرد به پلیس در شرق تهران آغاز شد. تیم جنایی بعد از حضور در محل با دو جسد مرد روبه رو شدند که با ضربه های چاقو از پا درآمده بودند. به هم ریختگی خانه نشان می داد، عاملان جنایت و مقتولان باهم درگیر شده بودند. یکی از قربانیان مرد صاحبخانه به نام امیر بود که دوستانش گاهی به آنجایمی آمدندو قمارمی کردند. شب قبل هم سه مهمان داشت که یکی از آنها به نام سهراب کشته شده و دو نفر دیگر فرار کرده بودند. هویت دو مهمان به نام های میثم و بابک شناسایی شد و تحت تعقیب قرار گرفتند. بعد از چند روز میثم خود را تسلیم کرد و بابک هم در مسیر مرز دستگیر شد. متهمان در جریان تحقیقات به ارتکاب یک قتل اعتراف کردند و پرونده برای محاکمه به شعبه سوم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد. در این جلسه اولیای دم سهراب – یکی از قربانیان- و وکیل خانواده امیر حضور داشتند. پدر سهراب گفت: پسرم و بابک دوست بودند و نمی دانم چرا او پسرم را کشته است. او به خانه ما رفت و آمد داشت. من و همسر برای قاتل پسرم تقاضای قصاص داریم. وکیل خانواده امیر هم درخواست قصاص کرد و گفت: خانواده مقتول از میثم به اتهام قتل شکایت داشته و فقط تقاضای قصاص قاتل را دارند. رئیس دادگاه سپس از بابک خواست از خود دفاع کند که او منکر قتل سهراب شد و گفت: شب حادثه شیشه و مشروب زیاد مصرف کرده بودم و چیزی یاد م نمی‌آید. وقتی دلم کسی را نکشتم، من و سهراب با هم رابطه خوبی داشتیم و دلیلی برای کشتن او نداشتم. ما شاید دعوا می‌کردیم اما شب سر روی یک بالاش می‌گذاشتم، سپس میثم در جایگاه ایستاد که او هم اتهام قتل امیر را رد کرد و گفت: من با امیر دوست بودم و چند بار برایش مواد آورده بودم اما با سهراب و بابک آشنایی نداشتم. چند شب قبل از قتل، چون سهراب از کمپ ترک اعتیاد بیرون آمده بود، بابک او را به خانه امیر آورده بود تا آنجا جشن بگیرند. چند نفر دیگر هم آن شب آمدند و میز قمار را چیدند. بابک آن شب ۲۶۰ میلیون تومان باخت و کارت کشید. من از روی میز یک پاستیل برداشتم و خوردم که مژه عجیبی داشت. وقتی دلیش را پرسیدم، گفتند که روی آن پودر شیشه ریخته‌اند. تا شش صبح بازی کردیم و مشروب خوردیم، افرادی که برای بازی آمده بودند، رفتند و ما چهار نفر ماندیم. خسته بودیم و خوابیدیم. حدود ساعت ۷ عصر بیدار شدیم، من جای گذاشتم و بعد از خوردن آن، بابک مشروب آورد و گفت همه باید زیاد بخورند. بعد از خوردن مشروب حالش عوض شد و عصبانی بود. آمد کنارم نشست و آرام گفت: تو پسر خوبی هستی، وقتی با ختم ناراحت شدی. الان هم اگر هر اتفاقی افتاد از جایت بلند نشو. بعد پیش امیر رفت و به او هم حرفی زد که امیر در پاسخ گفت؛ من خبر ندارم. امیر تهدیدش کرد اگر دروغی بگویی سرت را روی سینه ات می‌گذارم. من مشغول کشیدن شیشه شدم که سمت سهراب رفت و با چاقو او را زد. امیر خواست مانعش شود که او را هم زد. بعد به من گفت باید تا شیراز همراهش بروم. ابتدا به آرایشگاهی رفتم که چهره اش را تغییر داد. چند روزی شیراز بودیم که من برگشتم و خودم را تسلیم کردم اما بابک سمت مرز رفت و آنجا دستگیر شد. رئیس دادگاه پرسید: اگر قتلی انجام نداده بودی چرا با او تا شیراز همراه شدی ؟ که متهم در پاسخ گفت: من تا به حال شیراز نرفته بودم و دوست داشتم آنجا را ببینم. مدیر کمپ در تحقیقات گفته بود، وقتی بابک به دنبال سهراب رفته بود، با هم دست به یقه شدند که قاضی در این باره از بابک پرسید که او گفت: ما اختلاف هایی داشتیم اما در حدی نبود که مرتکب قتل شوم. او در بنگاهی کاری کرد و فکرمی کرد سند خانه ای را دزدیدم. اگر می خواستم او را بکشم، چرا ۱۰ میلیون تومان برای ترک دادن او هزینه کردم؟ با توجه به انکار دو متهم در جلسه دادگاه، قضات برای تصمیم گیری وارد شور شدند.

بررسی ماجرا به آنجا اعزام شدند. در جریان تحقیقات هویت مقتول به دست آمد و معلوم شد او استاد دانشگاه و از اعضای هیأت علمی دانشگاه بوده است. وی افزود: در ادامه تحقیقات پلیسی رد سه نفر در این پرونده قتل به دست آمد.

آنها تحت تعقیب بودند که بازداشت شدند. متهمان پس از تفهیم اتهام نزد بازپرس شعبه اول دادسرای

عمومی و انقلاب شهرستان گتوند، صراحتا به ارتکاب قتل عمد اعتراف کردند. معلوم شد آنها برای این جنایت اجیر شده بودند که با هماهنگی قضایی شرکا و معاونان در آن جنایت هم شناسایی و بازداشت شدند. با صدور قرار بازداشت موقت، متهمان روانه زندان شدند. تحقیقات برای مشخص شدن دیگر ابعاد این پرونده ادامه دارد.



پسرعموی مقتول در ادامه می‌گوید: «یک ساعت قبل از ارتکاب جنایت، جلال با برادرزنش تماس گرفت و گفت زنم را به خانه برگردان. برادر تمام هم گفته بود تو صبوری کن و من با خواهرم صحبت می‌کنم. ما

خود امضا کرده است با خیر، نتیجه تحقیقات برخلاف انتظار جلال بود و او به جرم کلاهبرداری از همسرش محکوم شد. این محکومیت باعث شد تا روابط میان زن و شوهر بیش از گذشته تیره و تار شود. مدتی گذشت تا این که جلال که کینه همسر و خانواده اش را به دل گرفته بود، نقشه ای شوم برای آنها کشید. در همین بین، دختر ۱۷ ساله خانواده با مادرش تماس گرفت و گفت پدرش اسلحه تهیه کرده و مراقب خود باشند اما آنها قضیه را جدی نگرفتند. جلال همچنان به تهدید هایش ادامه می داد تا این که سه روز قبل از جنایت مادر تمام در تماس با پلیس اعلام کرد دامادش آنها را تهدید به قتل کرده است.

بازگشت کودک فروخته شده به خانه

بعد از بهبود تحویل بهزیستی شد. تحقیقات برای یافتن مادر کودک ادامه داشت تا این که چند روز پیش او را یافتند. این زن مورد تحقیقات پلیسی قرار گرفت و معلوم شد بعد از ازدواج با شوهرش که معتاد بوده از سوی وی گرفتار اعتیاد شده است. بعد از آن هم شوهرش زمانی که وی باردار بوده او را ترک کرده و به مکان نامعلومی رفته است. این زن برای هزینه اعتیادش و زندگی خود گدایی می‌کرده. بعد از به دنیا آمدن کودکش جا و مکان درستی نداشت و نمی‌توانسته از فرزندش نگهداری کند. بنابراین برای این‌که او سرنوشت بدی مثل والدین معتادش پیدا نکند کودک را به زوجین ناباور داد.اند. با جمع بندی این اطلاعات بود که روند رسیدگی به پرونده وارد مرحله جدیدی شد. عظیم سهرایی، بازپرس شعبه نهم دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام جم گفت: مسئولان بهزیستی وضعیت مادر معتاد کودک را بررسی کردند و پی بردند که او صلاحیت نگهداری از فرزندش را ندارد. از سویی اطلاعاتی از سرنوشت پدر واقعی کودک هم نبود، بنابراین با تحقیقات لازم متوجه شدند زوج ناباور خانواده‌ای مورد اطمینان هستند و در مدتی که نوزاد پیش آنها بوده به خوبی از او نگهداری کردند. بنابراین تصمیم گرفتند که به‌طور موقت تا مشخص شدن وضعیت قانونی کودک، او نزد همین زوج بماند و نگهداری شود.

بخشش مرد همسرکش قبل از قصاص

دادم که روی زمین افتاد، دستانم را جلوی دهانم گرفتم تا داد او فریاد نکند که یک‌دفعه صدایش خاموش شد. وقتی به خودم آمدم؛ مرده بود. باور کنيد قصد قتل او را نداشتم و خشم آنی باعث مرگ او شد. قضات بعد از جلسه محاکمه، این مرد را گناهکار شناختند و حکم قصاص او صادر شد. مدتی بعد هم دیوان عالی کشور حکم قصاص او را تایید کرد و پرونده به شعبه اول اجرای احکام دادسرای جنایی تهران ارسال شد و مرد همسرکش یک گام به مرگ نزدیک شد. او در این سال هایک مرتبه پای چوبه دار رفت که با تلاش واحد صلح و سازش دادسرای جنایی تهران حکم او به‌طور موقت متوقف شد. چند روز پیش قرار بود او برای مرتبه دوم پای چوبه دار برود که تلاش واحد صلح و سازش اجرای احکام دادسرای جنایی تهران نتیجه داد و او توانست رضایت خانواده همسر و فرزندانش را با پرداخت وجه المصلحه جلب کند.

روحانی زاده، دادیار شعبه اول اجرای احکام دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام جم گفت: با بخشش اولیای دم، مرد همسرکش از مجازات قصاص رها شد و پرونده او برای بررسی جرم از جنبه عمومی به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد تا بعد از آن مقدمات آزادی این زندانی فراهم شود.



دو مرد در لباس آبی در حال رفتن به سمت اتاق بازداشت

خراب شده و باز نمی‌شود. زن عمو و عمویم پیاده که شدند در همان لحظه، جلال که گوشه‌ای کمین کرده و اسلحه‌ای در دستش بود، به سمت آنها رفت. دخترعمویم به همسرش گفت اینجا چه کار می‌کند؟ عمویم با دیدن اسلحه گفته بود جلال به خاطر خدا این کار را نکن. همچنان داشت می‌گفت نکن که یک‌دفعه جلال پنج گلوله به دخترعمویم و هشت گلوله به عمویم شلیک کرد. زن عمویم با دیدن این صحنه، بین خودروهای پارک شده مخفی شد و گلوله‌هایی که جلال شلیک می‌کرد به خودروی همسایه اصابت کرد. جلال بچه‌هایش را به خانه پدرش برده بود و آن لحظه آنجا حضور نداشتند. جلال پس از قتل؛ با خونسردی و در آرامش کامل سرکوبه رفت. خشایش را که خالی شده بود دوباره پر کرد و سر صحنه جنایت برگشت و این بار دو گلوله خلاص به عمو و دخترعمویم شلیک کرد. همسایه‌ها که شاهد صحنه بودند می‌گفتند او کلت داشت و پس از جنایت فرار نکرد و در آرامش کامل مرتکب قتل شد. و بعد با خود رویی که دوسر نشین در آن منتظرش بودند رفت. »

او در ادامه می‌گوید: «بعد از این جنایت، بعضی در کامنت‌های فضای مجازی صحبت‌هایی غیرعقلانی مطرح کرده بودند اما دخترعمویم زنی بسیار نجیب، اصیل و خانواده‌دار بود و پدرش هم آزارش حتی به یک مورچه نرسیده بود. او هر کاری کرد تا مشکل این زن و شوهر حل شود اما نشد. در خیرها پخش شد که جلال به سمت مرز فرار کرده اما دستگیر شده و پس از دستگیری با مصرف قرص خودکشی کرده است. هنوز هم نمی‌دانیم قاتل کجاست. نه می‌دانیم چطور، با کمک چه کسانی و با چه وسیله‌ای خودش را به مرز رسانده است؟ اگر هم به فرض دستگیر شده است، مگر مأموران بازرسی بدنی نمی‌کنند و از پشت دستبند نمی‌زنند؟ پس چطور جلوی چشمان مأموران و برای خودکشی قرص مصرف کرده است؟ حتی اعلامیه مرگش را هم دیده‌ام اما مجازهای از او هنوز ندیده‌ام. اگر دستگیر شده، کجا دستگیر شد؟ اگر کشته شده جنازه اش کجاست؟ امیدواریم پلیس در تحقیقات خود این موضوع را اعلام کند تا قاتل پس از بررسی پرونده و طبق قانون مجازات شود.»

جام جم

حوادث

INCIDENT

سه‌شنبه ۴ آذر ۱۴۰۴ ■ شماره ۷۱۹۸

🕒 کوتاه‌از حوادث

۲ جنایت در کارگاه

اختلافات شخصی و درگیری خونین در کارگاهی در شهرستان خواف منجر به مرگ دو نفر شد.

سرهنگ جواد خرسند فرمانده انتظامی شهرستان خواف در این باره به سایت پلیس گفت؛ به علت اختلافات شخصی در یک کارگاه دگربری رخ داد و در آن فردی سه نفر را با ضربات چاقو مجروح کرد و متواری شد. این در حالی است که دو نفر از مصدومان فوت شدند. همزمان با حضور ماموران در محل، متهم بازداشت شد و تحقیقات برای رازگشایی از این پرونده از وی ادامه دارد.

زنی سرشکه قاچاق مواد مخدر بود

زنی که سرشکه باند بین‌المللی قاچاق مواد مخدر و قرص‌های ترامادول بود از سوی مرزبانان هنگ سرخس بازداشت شد.

سردار مجید شجاع فرمانده مرزبانی خراسان رضوی در این باره به تسنیم گفت؛ مرزبانان هنگ مرزی سرخس با پیگیری و پایش شبانه‌روزی و اشرافیت اطلاعاتی سرشکه‌باند بین‌المللی قاچاق مواد مخدر و قرص‌های ترامادول را در بدو ورود به کشور شناسایی کردند. سرشکه‌باند فوق که در کشور همسایه حضور داشت زیر نظر بود و پس از ورود به گمرک سرخس توسط مرزبانان نسان مستقر در پست و پایش مرزی گمرک دستگیر شد.

وی افزود: از این متهم خانم تبعه کشور همسایه مبالغی وجه نقد (۱۰هزار دلار و ۱۴۰۰مناات، معادل بیش از ۱۱امیلیارد و ۳۰۰میلیون ریال) را که قرار بود تحویل قاچاقچی دستگیر شده بدهد کشف شد. همچنین دو دستگاه کوادکوپتر دست‌ساز و غول پیکر و محموله قرص‌های ترامادول در این رابطه کشف شد.

رهايي گروگان ۲۵ ساله

فردی که د ختری رابوده بود تا از خانواده‌اش اخاذی کند ناکام ماند و بازداشت شد.

به گزارش خبرنگاری صداوسیما ی مرکزی، سرهنگ نورالدین ناطمی، رئیس پلیس آگاهی استان مرکزی در این باره گفت: در پی وقوع یک فقره آدم‌ربایی، دختری ۲۵ساله با معلولیت ذهنی و حرکتی در استان بوشهرو ردیابی او در یکی از شهرهای استان مرکزی، تحقیقات پلیسی در این باره آغاز شد. متهم گروگانگیر که قصد اخاذی از خانواده دختر را داشت در یکی از شهرهای استان مرکزی شناسایی شد. سرانجام در عملیاتی منسجم و غافلگیرانه، گروگانگیر دستگیر و دختر روده شده آزاد و نزد خانواده‌اش بازگشت.

گازگرفتگی جان ۵ نفر را گرفت

یک زوج در شاهین دژ و سه عضو یک خانواده در الیگودرز بر اثر گازگرفتگی در دو حادثه جداگانه فوت شدند.

به گزارش روابط عمومی اورژانس، در حادثه اول زوجی هنگام خواب در خانه‌شان در منطقه «قرنلانو» شاهین دژ دچار گاز گرفتگی شدند و پیش از رسیدن نیروهای امدادی فوت کردند. بررسی‌های اولیه نشان می‌داد استفاده نکردن از لوله مناسب برای خروج گاز مونوکسیدکربن ناشی از بخاری گازی باعث شده آنها دچار گازگرفتگی مرگبار شوند. حادثه دوم در یکی از محله‌های شهرستان الیگودرز رخ داد و در آن سه عضو یک خانواده به علت گازگرفتگی جان باختند و یک کودک هم به بیمارستان منتقل شد. تحقیقات برای مشخص شدن علت گازگرفتگی از سوی آتش نشانان ادامه دارد.

زن سالخورده قربانی سرفت طلا

زنی ۷۰ساله در یکی از بخش‌های شهرستان تفت هنگام انجام کار کشاورزی به انگیزه سرقت طلاهایش به قتل رسید.

به گزارش روابط عمومی دادگستری یزد، سیدجمال‌الدین طباطبایی دادستان عمومی و انقلاب تفت در این باره گفت؛ پس از ارتکاب قتل، طلاهای متعلق به مقتول به سرقت رفته بود که همین امر ظن اولیه با انگیزه مالی را تقویت کرد. در ادامه تحقیقات رد فردی به‌دست آمد. او تحت تعقیب بود و سرانجام مخفیگاهش در یکی از استان‌های جنوبی کشور شناسایی و بازداشت شد و به قتل این زن اعتراف کرد.